



-  LIDA Italia
-  Billie Cejka Risnes
-  Sam Saf
-  5
-  فارسی fa

داستان آگوستینو



اسم من آگوستینو هستش و پنجه و یک سلمه. گر من دلیوری غذا
دوچرخه است. من دو تا دختر دارم اما بندرت بهم حرف میزنیم. من و
مدرشون بهم زندگی نمیکنیم چون که ما از هم طلاق گرفتیم.



من بدهرم زندگی می کنم، چون بعد از طلاق، از پس پرداخت اجاره بر
نمیدم. هزینه اجاره خونه تو این شهر خیلی بالاست.



چند هه پيش من به عنوان سرايدار تو يه شرکت گر می کردم. من
چيزهیی رو که خراب می شدن تعمیر می کردم. جعبه ه را جذب می کردم و
به هر کسی که احيلاگری داشت کمک می کردم. يک روز من رو از شرکت
بيرون کردن. من دليلش رو نفهميدم.



من افراد زیادی رو دیدم که در دوچرخه گر دلیوری غذا رو انجام میدادن. من میتونستم دوچرخه برونم، بنابراین رفتم سراغ یک شرکت بزرگ دلیوری. اونجا به من برای هر سفرش تحویل غذا، سه یورو پیشنهاد کردن. من روزی ۴۰ یورو درآمد دارم و اگر خیلی خوش شانس باشم و مشتری هم بهم انهم بدن به ۶۰ یورو هم میرسه.



اونه برای روزهی تعطیل و روزهی که مریضم چیزی پرداخت نمی‌کنم، در واقع اونج من هیچ حقی ندارم. من این رو درست نمیدونم، اها من به‌کر احتیج دارم. بیشتر کندی که اونج‌گر می‌کنم مهاجرانی از سراسر دنی هستند.



هر روزه تعداد زیادی از کسانی که به عنوان پیک گر می کنند دچار حادثه شده و زخمی می شدند. هژره، وقتی که هشین به یک پیک غذای بیست و پنج سله زد و کشته شد، هژره مسئولان متوجه ه شدند. این شرم آور بود که اون هید کشته میشدلا اون ه رو ببینن و به ه توجه کنند.



من همراه بیک هی شرکت هی دیگه، دوره ای را در مورد حقوق کارگران در یک اتحادیه محلی گذراندم. اونج به ه پیشنهاد متدوره حقوقی رایگن دادند. ه برای به رسمیت شناخته شدن و حقوق بیشتر مجرزه کردیم.



بعد از مدتهای مدید تهم زحمت ه نتیجه داد. یک شرکت بزرگ دلیوری دید
جریمه هنگفتی می پرداخت و به کارگران شغل دائمی میداد. این اولین بفر
بود که در تهم دنیا چنین اتفاقی می افتاد. به نظر می رسید اوضاع در حال
بهبود و اصلاح است.



LIDA Stories

lidastories.net

داستان آگوستينو

 LIDA Italia

 Billie Cejka Risnes

 Sam Saf

